

تحلیل عوامل پیوستگی ساختاری و متنی سوره مزمل

عبدالله میراحمدی^۱

شهلا حقی^۲

چکیده

سوره‌های قرآن از مجموعه‌هایی از آیات به هم پیوسته و منسجم تشکیل شده و این پیوستگی ناشی از انواع ارتباطی است که بین آن‌ها وجود دارد و شامل ارتباط‌های لغوی و دستوری و منطقی می‌گردد. انسجام به سازوکار درون متنی زبان گفته می‌شود که سخنور را در ایجاد و برقراری ارتباط در هر جمله یا بین جملات یاری می‌دهد؛ به بیان دیگر، انسجام به روابط ساختاری-واژگانی متن اطلاق می‌گردد... به این منظور در پژوهش حاضر نخست دیدگاه شاخص‌ترین مفسران درباره مکی و مدنی بودن این سوره تحلیل می‌شود و به‌طور ویژه نیز سه تفسیری که به روش ترتیب نزول نگارش یافته، مفصل‌تر بررسی و دیدگاه مفسران این تفاسیر درباره مکی یا مدنی بودن سوره مزمل و چگونگی ارتباط میان بخش‌های این سوره و هم‌چنین میزان کارایی تفاسیر تنزیلی در شیوه مواجهه با آیات استشنا شده و این امکان که پیوستگی متنی میان سوره دلیلی بر مکی یا بودن سوره ای به طور کامل باشد، تبیین می‌گردد. در ادامه با در نظر گرفتن زبان‌شناسی نقش گراونظریه انسجام متن با توجه به بافت و سیاق تا آن‌جا که قابل انطباق بر محتوای قرآن باشد، عوامل پیوستگی ساختاری و متنی سوره مزمل بررسی و در پایان، نمونه‌ها و مصادیق مورد نظر در دو جدول ارائه می‌شود.

واژگان کلیدی: قرآن، مزمل، پیوستگی ساختاری و متنی، بافت، سیاق، انسجام متن.

۱- استاد یار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه خوارزمی تهران، نویسنده مسئول mirahmadi_a@yahoo.com

۲- دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث و دانش پژوه سطح چهار حوزه علمیة رفیعه المصطفی Haghi_098@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۲

مقدمه

آیات یک سوره دارای ارتباط با یکدیگر هستند و در علوم قرآن هم مبحثی به نام تناسب آیات و سوره وجود دارد که به انواع روابط و پیوستگی آیات یک سوره می‌پردازد. بحث پیوستگی ساختاری و متنی قرآن از اهمیت بسیار برخوردار است و به فهم سوره کمک فراوانی می‌کند و اگر این‌گونه نبود قرآن مجموعه ای از موضوعات پراکنده و ناپیوسته تصور می‌شد و با نظریه نظم کامل و بی نظیر این کتاب آسمانی که دلیل آشکار بر اعجاز آن به شمار می‌رود، در تضاد و تقابل قرار می‌گرفت.

برخی از مفسران، پیش از ورود در حوزه تفسیر یک سوره، نخست به غرض کلی آن اشاره سپس سوره را دسته‌بندی و هر قسمت را تفسیر می‌نمایند و در پایان یا آغاز سوره تلاش می‌کنند تا ارتباط موجود میان آن قسمت‌ها را نیز آشکار سازند. البته سبک تفسیری مفسران یکسان نیست، چنان که گروهی از آن‌ها، قرآن را بر اساس ترتیب موجود در مصحف تفسیر نموده و گروهی نیز آن را به ترتیب نزول تفسیر کرده اند، دسته دوم معتقد هستند افزون بر ارتباط و پیوستگی و انسجام آیات یک سوره، میان سوره‌های قرآن هم ارتباط و پیوستگی وجود دارد.

در این پژوهش نخست به بررسی سوره مزمل تحت عنوان آشنایی با سوره و مقصود و محتوای آن و ارتباط بین این سوره با سوره‌های قبل و بعد از خود، به ترتیب نزول و هم چنین به نظر مفسران، در مورد مکی یا مدنی بودن آن پرداخته می‌شود سپس در ادامه نیز با بررسی پیوستگی متنی و انواع و مصادیق آن براساس زبان شناسی نقش گراو نظریه انسجام ساخته و پرداخته مایکل هالییدی زبان شناس مشهور استرالیایی - نمونه های این پیوستگی و ارتباط بر سوره مزمل منطبق می‌گردد.

برای نشان دادن وجود پیوستگی متنی قرآن، سوره مزمل انتخاب شده؛ زیرا این سوره هم کوتاه است و هم در مکی و مدنی بودن آن اختلاف نظر وجود دارد. برخی از مفسران تمام آن را مکی به شمار می‌آورند و برخی دیگر با مکی بودن این سوره به استثنای برخی از آیات آن موافق می‌باشند. گروهی هم هیچ نظری درباره مکی یا مدنی بودن آن ندارند، حتی مفسرانی که تعدادی از آیات این سوره را مدنی می‌دانند ارتباط این آیات را با آیات دیگر نیز بیان نموده اند. شایان یادآوری می‌باشد که در بازگردان آیات به فارسی از ترجمه المیزان توسط محمد رضا صفوی بهره گرفته شده است.

۱- ادبیات نظری پژوهش

۱-۱. پیشینه پژوهش

مهم‌ترین پژوهش‌های در راستا و یا نزدیک به تحقیق حاضر از این قرار می‌باشند:

۱. عزت ملاابراهیمی و زهرا رضایی، «بررسی تطبیقی ابزارهای انسجام در سوره مزمل و ترجمه آن از موسوی گرمارودی بر پایه نظریه انسجام متن هالیدی و حسن» نشریه علمی مطالعات زبان و ترجمه، دانشگاه فردوسی، سال پنجاه و چهارم، تابستان ۱۴۰۰، شماره ۲، صص ۱۷۵-۱۹۹

در این مقاله نویسندگان به بررسی انسجام متن بر اساس نظریه هالیدی و مکمل حسن با هدف ترسیم میزان هماهنگی انسجام در سوره مزمل و ترجمه موسوی گرمارودی پرداخته و به صورت کمی و کیفی عوامل انسجام را در این سوره و ترجمه یاد شده، مشخص کرده‌اند که به طور ضمنی نشان دهنده انسجام متنی در سوره مزمل است.

۲. عزت ملاابراهیمی و زهرا رضایی، «کارایی نظریه هالیدی و حسن در ترسیم متنی سوره مزمل»، فصلنامه مطالعات ادبی متون اسلامی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، پژوهشکده اسلام تمدنی، سال پنجم، بهار ۱۳۹۹، شماره ۱، صص ۹-۲۱.

این مقاله به نوعی اشتراک فراوانی با مقاله نخست دارد. نگارندگان در این پژوهش به انواع عوامل انسجامی در سه سطح انسجام واژگانی و انسجام دستوری و انسجام پیوندی در سوره مزمل پرداخته و بیشترین عناصر انسجام را در این سوره مختص عناصر واژگانی به ویژه تکرار لفظی دانسته‌اند. هم چنین به این نتیجه رسیده‌اند که این سوره از انسجام و پیوستگی بالایی برخوردار است و بین آیات شکافی وجود ندارد.

۳. احمد زارع زردینی و میثم خلیلی، «کاربست نظریه زوج سوره‌ها در فهم سوره‌های مزمل و مدثر»، نشریه علمی ترویجی بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، سال ۳۷، اسفند ۱۳۹۷، شماره ۱۴۱، صص ۶۱-۸۵. این مقاله ابعاد مختلف پیوند لفظی و معنایی این دو سوره را تحلیل کرده است و به این نتیجه رسیده که ارتباط‌های مختلف بین دو سوره معنا دار بوده و این ارتباط‌ها تصادفی نیست. نویسندگان برای اثبات این دیدگاه به نظریه نظام زوجیت نیز توجهی ویژه کرده‌اند.

۴. سید مهدی لطفی، «پیوستگی متنی سوره‌های قرآن کریم»، دوفصلنامه مطالعات قرآن و حدیث، دانشگاه امام صادق^۷، سال چهارم، بهار و تابستان ۱۳۹۰، شماره ۲، پیاپی ۸، صص ۱۲۹-۱۵۰.

سوره‌های قرآن از مجموعه آیات به هم پیوسته تشکیل شده است که بین آن‌ها انواع ارتباط‌های لغوی، دستوری و منطقی برقرار است. هر چند که در سوره‌های قرآن موضوعات مختلفی مطرح شده، اما همه این مباحث از طریق عناصر پیوستگی با یکدیگر مرتبط هستند. پیوستگی متنی که یکی از شاخه‌های تحلیل متن و گفتار است، با بررسی عناصر پیوستگی متنی، نحوه پیوستگی درون متنی یک متن را نشان می‌دهد. با توجه به این که تلاش علمای علوم قرآن و مفسران در زمینه پیوستگی، محدود به بررسی ارتباطات موردی بین آیات بوده است؛ تاکنون به بحث پیوستگی متنی سوره‌های قرآن به طور جدی پرداخته نشده است. در این مقاله با استفاده از روش پیوستگی متنی، پیوستگی آیات در درون سوره‌ها مورد بررسی قرار گرفته که در نهایت پس از مطالعه

موردی دو سوره طور و قارعه و ارایه جدول پیوستگی آیات این دو سوره، پیوستگی متنی خطی آیات در درون سوره ها اثبات شده است

۵. امیر ذوقی، "نگره ای جدید درباره انسجام متنی سوره های قرآن کریم"، دوفصلنامه مطالعات قرآن و حدیث، دانشگاه امام صادق ۷، سال ششم، بهار و تابستان ۱۳۹۲، شماره ۲، صص ۱۵۱-۱۷۵

چگونگی چینش آیات در کنار یکدیگر از دیرباز مورد توجه دانشمندان اسلامی در اعصار مختلف بوده است. دانشمندان نخستین از «نظم» و «مناسبت» میان آیات سخن می گفتند و دانشمندان سده حاضر از «سوره به منزله یک کلیت واحد» و «وحدت موضوعی سوره ها». در این مقاله ضمن مروری سریع بر این تلاش ها، به نظریات جدید در حوزه زبان شناسی در زمینه تحلیل متن اشاره شده و ضمن بیان مبانی نظری آن ها، سعی در یافتن الگویی برای تحلیل چینش آیات در سوره های قرآن کریم با عنایت به کارکرد اصلی این کتاب آسمانی که هدایت و تذکر است، گردیده. در این راستا با استفاده از نظریات انسجام و خصوصاً پیوند، «الگوی بازگشتی» برای توصیف چگونگی چینش آیات درون یک سوره پیشنهاد و در رابطه با یکی از سوره ها آزمون گردیده است.

۶. مهدی ایردی و نورالدین زنده، "سیاق و سباق در مکتب تفسیری علامه طباطبایی"، دوفصلنامه مطالعات قرآن و حدیث، دانشگاه امام صادق ۷، سال پنجم، بهار و تابستان ۱۳۹۱، شماره ۲، پیاپی ۱۰، صص ۳۳-۵

اصطلاح «سیاق» و استفاده از آن در علم تفسیر، در طول تاریخ تفسیر با رشد آرامی مواجه بوده است، ولی در تفسیر المیزان این مفهوم، رشد قابل توجهی پیدا کرده، به گونه ای که در هر سوره چندین بار مورد استفاده واقع شده است. در حقیقت سیاق به عنوان یکی از مهم ترین اصول و مبانی علامه طباطبایی در استفاده از روش تفسیر قرآن به قرآن است. با این حال در مواردی شاهد آن هستیم که مفسر با چشم پوشی از سیاق، آیه را به طور مستقل معنا نموده یا در کنار معنای سیاقی، یک معنای مستقل هم ارایه می دهد. این مطلب نه از بی قاعده بودن روش، بلکه از وجود برخی ضوابط در نحوه ظهور سیاق و هم چنین غلبه «سباق» بر سیاق حکایت دارد. نکته مهم و قابل تأمل در این میان آن است که علامه طباطبایی اگرچه از سباق در برابر سیاق بهره مند شده، ولی از این اصطلاح استفاده نکرده است. در مقاله حاضر تلاش شده است تا ضمن اشاره به مبانی روش تفسیری علامه طباطبایی در استفاده از سیاق، با انواع سیاق و شرایط استفاده از آن آشنا شده و در نهایت اصول حاکم بر استفاده از سیاق و سباق در تفسیر قرآن به قرآن استخراج شود.

در پژوهش حاضر با در نظر گرفتن زبان شناسی نقش گراونظریه انسجام متن تا آن جا که قابل انطباق بر محتوای قرآن باشد، عوامل پیوستگی ساختاری و متنی سوره مزمل بررسی گشته و در تحلیل این عوامل نخست به دیدگاه مفسران در خصوص مدنی و مکی بودن سوره مزمل و به ویژه دیدگاه های مفسران تنزیلی پرداخته شده و در ادامه پیوستگی متنی و انواع و مصادیق آن با ذکر نمونه های برگزیده از این سوره ارایه گردیده است.

۲-۱. پرسش‌های پژوهش

۲. مفسران درباره مکی ومدنی بودن سوره مزمل باتوجه به ترتیب آیات یا براساس سال نزول چه دیدگاه‌هایی دارند؟

۳. درسوره مزمل براساس نظریه انسجام، انواع پیوستگی‌های ساختاری و متنی کدام هستند؟

۳-۱. فرضیه‌های پژوهش

۱. بیش تر مفسران به ویژه پیروان تفسیر تنزیلی سوره مزمل را مکی می دانند.

۲. این سوره برپایه زبان شناسی نقش گرا ونظریه انسجام دارای انواع پیوستگی ساختاری و متنی است.

۴-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش

با توجه به بررسی‌ها وچالش‌ها ونظریه پردازی هاز سوی برخی خاور شناسان که اعتقاد دارند به جهت ماهیت جمع وتدوین قرآن، چینش فعلی آیات در سوره هاز اساس به همان صورت وحی شده بر پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم نیست وبه تبع این چینش ارزش تفسیری ندارد، اهتمام به بررسی چگونگی آیات در کنار یکدیگر چه با پی گیری نظم میان آیات در نخستین مطالعات دانشمندان اسلامی ودر سده های پسین با بررسی مناسبت قرار گیری آیات وحتی سوره ها در کنار هم وچه در پژوهش های نوین با عنوان بررسی انسجام وپیوند در سوره های قرآن، در جستاری مستقل اهمیت وضرورت می نماید.

۵-۱. روش پژوهش

روش پژوهش این مقاله به لحاظ هدف تحقیق بنیادی و به لحاظ قلمرو تحقیق اجرا اسنادی و کتابخانه‌ای و به لحاظ پردازش اطلاعات، توصیفی- تحلیلی است. بر این اساس نخست بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای همه جنبه های ضروری درباره سوره مزمل با عنایت به پیشینه معتبر بررسی می شود سپس همه داده های فراهم شده با رویکرد به دیدگاه های کهن در نظم وچینش آیات وسوره ها ومطالعات نوین زبان شناسی نقش گرا به ویژه نظریه انسجام متن، پیوستگی ساختاری و متنی در این سوره تحلیل می گردد.

۲. آشنایی با سوره مزمل

مفسران و علمای علوم قرآنی برای این سوره فقط نام «مزمل» را ذکر کرده اند و علت آن نیز وجود این واژه در اولین آیه است. این سوره به گواهی تمام جدول‌های نزول ودیدگاه های دانشمندان علوم قرآنی، مکی است، هر چند برخی در مکی بودن تمام سوره تردید کرده‌اند. سوره مزمل پس از سوره قلم و پیش از سوره مدثر نازل شده است.

در جدول منسوب به امام علی^۷ سورة مدثر مقدم بر سورة مزمل آمده است که این تقدم دلیلی ندارد؛ زیرا محتوای سورة مزمل برنامه های تربیتی را به منظور آماده کردن پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم برای دریافت وحی ارایه می دهد، در صورتی که سورة مدثر برخورد ولید بن مغیره را با آن حضرت، پس از شنیدن آیه هایی از قرآن به تصویر می کشد.

از طرفی با این که واژه های «تزمّل» و «تدثر» هر دو به معنای پیچیده شدن در لباس یا ملحفه است، لکن لغت دانان فرقی میان این دو واژه گذاشته اند و آن این که تدثر، پیچاندن خود در لباس رویین و رسمی است. خداوند پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم را در هنگام خطاب با واژه مزمل به خروج از رختخواب و بیداری شبانه دعوت می کند، اما در سورة مدثر به قیام برای انذار و اعلام خطر به مردم دستور می دهد؛ بنابراین حکیمانه است که سورة مزمل که برنامه آماده سازی است، بر سوره مدثر مقدم باشد. سورة مزمل شامل ۲۰ آیه و در ترتیب مصحف هفتاد و سومین سوره به شمار می رود که پس از سورة جن و قبل از سورة مدثر در جزء ۲۹ قرار گرفته است. (بهجت پور، ۱۳۹۴: ۷۴)

۳. بررسی محتوای سورة مزمل

سورة مزمل روی سخنش با پیامبر^۶ است و طی آن برنامه ای جامع به منظور تقویت ظرفیت درونی آن حضرت و تحمل مشکلات پیش آمده از سوی جاهلان و معاندان نازل شده است. خداوند پیامبر^۶ را به بیداری و انجام عبادت شبانه مأمور کرده (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۶۰/۲۰؛ دروزه، ۱۳۸۳: ۱/ ۴۰۵؛ بهجت پور، ۱۳۹۴: ۲۳۸-۲۳۵) تا به این وسیله برای گرفتن مسئولیتی که به زودی به وی محول خواهد شد، آماده گردد، و آن قرآنی است که به ایشان وحی می شود و دستور می دهد که در مقابل حرف های مخالفان که کاهن و مجنونش می خوانند، صبر کند و به نحوی پسندیده از آن ها کناره گیری نماید. (طباطبایی (۱۴۱۷)، ۶۰/۲۰)

در قسمت بعدی، با انذار مخالفان پیامبر^۶ اشاره ای به عذاب فرعون می کند و به آنان هشدار می دهد. (دروزه، ۱۳۸۳: ۱/ ۴۰۵؛ بهجت پور، ۱۳۹۴: ۲۳۵-۲۳۸) خداوند به افراد که کفرشان استمرار دارد و تا هنگام مرگ توبه نمی کنند، هشدار شدید داده است؛ زیرا رسالت رسول اکرم^۶ فقط تذکر و یادآوری است و قرار نیست به قهر و اجبار انسان ها را هدایت نماید و هر کس با اختیار راه خود را بر می گزیند و نتیجه اختیار خویش را به ناچار تحمل خواهد کرد. (میدانی، ۱۴۲۰ق: ۱/ ۱۵۵)

در بخش پایانی نیز تغییری در برنامه عبادت شبانه داده و مجموعه ای جامع از دستورهای دینی را جایگزین این برنامه کرده است. (دروزه، ۱۳۸۳: ۱/ ۴۰۵؛ بهجت پور، ۱۳۹۴: ۲۳۵-۲۳۸) و مؤمنانی را که این اوامر را رعایت می کنند به مغفرت و اجر عظیم وعده داده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۳۷/ ۲۵؛ میدانی، ۱۴۲۰ق: ۱/ ۱۵۶)

پیامبر ^ص که اقامه‌کننده دعوت خداوند متعال بود، در پیکارهای دایمی در میدان‌های مختلف تلاش می‌کرد و در همه مراحل باید از صبر جمیل، قیام شبانه، عبادت پروردگار، ترتیل قرآن و دل بستن به خداوند برخوردار بود پس از گذشت مدتی و استمرار بر این‌گونه اعمال کردن، خداوند به پیامبر ^ص و همراهان ایشان تخفیف داد. گویا سوره در دو بخش خود، یعنی آیات ۱-۱۹ و ۲۰، صفحه‌ای از تاریخ دعوت رسول اکرم ^ص را نشان می‌دهد که از قیام شبانه و غیره شروع می‌شود تا در پایان به رفق و رحمت و تخفیف و آسان‌گیری و مغفرت خداوند اشاره می‌نماید. (قطب، ۱۴۱۲ق: ۶/۳۷۴۴)

۴. بررسی ارتباط سوره مزمل با سوره‌های قبل و بعد به ترتیب نزول و ترتیب مصحف

برخی از مفسران دو نوع ارتباط در سوره‌ها ذکر کرده‌اند، نخست ارتباط با سوره قبل و بعد به ترتیب نزول سپس ارتباط با سوره قبل و بعد به ترتیب مصحف. این سوره در ترتیب مصحف پس از سوره جن و پیش از سوره مدثر آمده و در ترتیب نزول بعد از سوره قلم و قبل از سوره مدثر نازل شده است.

۱-۴. ارتباط سوره با سوره‌های قبل و بعد از خود به ترتیب نزول

پیامبر ^ص برای ایجاد تغییر ریشه‌دار دینی و اجتماعی به تأسیس نهادهای معرفتی و رفتاری اقدام کرد. سوره علق به جایگاه انحصاری آفریدگار هستی و انسان می‌پردازد و پروردگار را تنها اختیار دار امر و نهی بشر معرفی می‌کند. در سوره قلم ضرورت وجود دو فرجام مختلف برای متقیان و مکذبان توضیح داده می‌شود و از عذاب دنیا و آخرت نیز یاد می‌گردد. در سوره مزمل در حقیقت برنامه‌ای جامع برای آماده‌سازی پیامبر ^ص به منظور دریافت پیام‌های وحی و انتقال آن به مردم ارایه می‌دهد و این برنامه زمینه‌ساز آغاز رسالت انذار پیامبر ^ص به شمار می‌رود. (بهجت‌پور، ۱۳۹۴: ۲۳۵-۲۳۸ و ۶۸-۷۶)

۲-۴. ارتباط سوره مزمل با سوره‌های قبل و بعد از خود به ترتیب مصحف

در مصحف، سوره مزمل بعد از سوره جن آمده است و گفته شده که آخرین آیه سوره جن درباره پیامبر ^ص است. به همین مناسبت اولین آیه سوره مزمل نیز خطاب به وی می‌باشد و در آخرین آیه این سوره، پیامبر ^ص به نماز و قرض الحسنه امر شده و خداوند در نخستین آیه سوره مدثر نیز ایشان را به انذار و ترساندن فرمان داده است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰/۵۶۶-۵۷۸)

۵. دیدگاه مفسران درباره مکی یا مدنی بودن آیات ۱۰ و ۱۱ و ۲۰ سوره مزمل

در میان ۱۴۴ تفسیر بررسی شده بر اساس نرم‌افزار جامع التفاسیر، شصت و یک مفسر معتقد هستند که سوره مزمل مکی و تمام سوره در مکه نازل شده است. برخی دیگر هم فقط به ذکر اقوال مختلف در مورد مکی

یا مدنی بودن آن اکتفا کرده و نظر خود را بیان ننموده اند، ولی ۲۲ مفسر اعتقاد دارند سوره مزمل مکی است؛ هر چند بعضی از آیات آن در مدینه نازل شده است. این گروه خود به چند دسته تقسیم می شوند:

۱-۵. نظر گروهی از مفسران درباره مدنی بودن آیات ۱۰ و ۱۱ و ۲۰

این مفسران آیات ۱۰ و ۱۱ و ۲۰ را مدنی می دانند: (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۴/۶۳۴؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۴/۳۵۲؛ ابن جزری، ۱۴۱۶ق: ۲/۴۲۲؛ مراغی، ۱۳۷۱: ۲۹/۱۰۹؛ آل غازی، ۱۳۸۲: ۱/۹۱؛ میدانی، ۱۴۲۰ق: ۱/۱۵۱) سبزواری در تفسیر الجدید فی تفسیر القرآن المجید با این که آیات ۱۰ و ۱۱ و ۲۰ را مدنی می شمرد ولی در دسته بندی خود آیه های ۱۰ و ۱۱ را جدا از هم آورده است. (سبزواری، ۱۴۰۹ق: ۷/۲۵۵)

۲-۵. نظر گروهی از مفسران درباره مدنی بودن آیه ۲۰

این مفسران آیه ۲۰ را مدنی دانسته اند: (ثعلبی، ۱۴۲۲ق: ۱۰/۵۸؛ ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸ق: ۲۰/۱؛ خزرجی، ۱۴۲۹ق: ۴۱۵؛ رسعنی، ۱۴۲۲ق: ۸/۳۲۴؛ نظام الاعرج، ۱۴۱۶ق: ۶/۳۷۶؛ سیواسی، ۱۴۲۷ق: ۴/۲۵۸؛ ثعالبی، ۱۴۱۸ق: ۵/۵۰۰؛ محلی، ۱۴۱۶ق: ۵۷۷؛ جزایری، ۱۴۱۶ق: ۵/۴۵۵؛ صاوی (۱۴۲۷)، ۴/۲۷۷؛ ابن عاشور (۱۴۲۰)، ۲۹/۲۳۸؛ دروزه، ۱۳۸۳: ۱/۴۰۵؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۲۰/۷۴) در آیه ۲۰ جمله "أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاقْرَءُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا" و نماز بپا بدارید و زکات بدهید و به خدا وام دهید وامی نیکو آمده که در ظاهر مراد از "زکات" - مخصوصاً از آن جهت که بعد از نماز و قبل از مسأله انفاق مستحبی ذکر شده - زکات واجب است و همه می دانیم که زکات بعد از هجرت در مدینه واجب شده پس نزول این آیه در مدینه بوده است. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۰/۱۱۵)

۳-۵. دیدگاه یک مفسر درباره مدنی بودن آیه ۱۱

یک مفسر نیز اعتقاد دارد فقط آیه ۱۱ در مکه نازل شده است. (دینوری، ۱۴۲۴ق: ۲/۴۴۸)

۴-۵. دیدگاه یک مفسر درباره مدنی بودن آیات ۱۹ و ۲۰

مکی بن حموش معتقد است که آیات ۱۹ و ۲۰ در مدینه نازل گشته اند. (ابن حموش؛ ۱۴۲۹: ۱۲/۷۷۸۳)

۵-۵. دیدگاه یک مفسر درباره مدنی بودن آیات ۲۰ و ۱۱ و ۱۰

صاحب درج الدرر نیز بر این باور است که فقط آیات ۲۰ و ۱۰ و ۱۱ در مکه نازل شده اند. (جرجانی، ۱۴۳۰ق: ۲/۶۶۹)

آوسی که همه سوره مزمل را مدنی می داند بر این باور است که در جمله "وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ" منظور نماز و زکات واجب است. چنان چه گذشت زکات در مدینه نازل شده و نماز واجب هم بعد از نزول سوره

اسراء تشریح گشته است. او برای توجیه این قسمت از آیه می گوید: بعضی گفته اند وجوب زکات در مکه، ولی نصب های آن در مدینه تعیین شده است. (آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۱۵/ ۱۲۶)

افزون بر آلوسی، برخی دیگر از مفسران می گویند: ممکن است نزول آیه شریفه قبل از حکم آن و وجوب حکمش مدتی پس از نزول آیه باشد، همه وجوهی بدون دلیل هستند. افزون بر بی دلیل بودن این سخنان، در آیه سخن از قتال هم آمده، می فرماید: "وَ آخِرُونَ يقاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ" (مزمل ۲۰) "جمعی دیگر در راه خدا می - جنگند" با این که می دانیم در مکه در چنان جوی مصلحت نبوده که در متن آیه سخن از قتال به میان آید. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۰/ ۱۱۵)

برخی از مفسران نیز می گویند: آیه ۲۰ ناسخ "يا أَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ قُمِ اللَّيْلُ..." به نظر سخنی بی دلیل می باشد؛ زیرا اگر یک آیه یا آیتی نسخ شود دیگر نباید به آن عمل کرد و آیه ناسخ جای آن را می گیرد؛ در حالی که قسمت اول این سوره قابل عمل و اجرا است و آیه ۲۰ فقط در صدد دادن تخفیف می باشد. (ابن شهر آشوب، ۱۳۹۶: ۲/ ۲۲۸)

۶. بررسی هماهنگی وارتباط و مکی ومدنی بودن در این سوره در تفاسیر تنزیلی

در این بخش به تبیین دیدگاه مفسرانی که کتاب های تفسیری خود را بر اساس ترتیب نزول سوره ها نوشته اند، اشاره می گردد.

۱-۶. آل غازی

وی اعتقاد دارد که سوره مزمل به جز آیات ۱۰ و ۱۱ در مکه نازل شده است. این مفسر در تفسیر آیه های ۱۰ و ۱۱ می گوید: «وَ اصْبِرْ عَلٰی مَا يَقُولُونَ» "در برابر زخم زبان های مشرکین صبر کن"، یعنی در مقابل کفر و تهمت زدن آن ها تو صبر کن. «وَ اهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيْلًا» "و اگر هم قهر می کنی قهری ملایم و خوشایند و سازنده بکن"، یعنی از آن ها دوری کن ولی نه به خاطر حقد و کینه، بلکه برای ارشادشان. این دو آیه قبل از جنگ بدر و آیات قتال نازل شده؛ زیرا شروع رسالت بر اساس رفق و مدارا و تشویق و وعده بود و این دو آیه با نزول آیه سیف و قتال منسوخ نشده است. (آل غازی، ۱۳۸۲: ۱/ ۹۵)

هم چنین در تفسیر آیه ۲۰ نیز آورده است: این آیه در مدینه نازل شده است؛ زیرا اصحاب پیامبر ۶ می ترسیدند از نماز شب که به آن امر شده بودند، باز بمانند و تمام شب را بیدار می ماندند پس آیه نازل شد: "پروردگار تو می داند که تو و گروهی از کسانی که با تو هستند نزدیک به دو ثلث و یا نصف و یا ثلث شب را به پا می دارید، خداوند شب و روز را مقدر کرد و آنچه را که انجام می دهید را می داند او می داند که هرگز نمی توانید ساعات آن را درست حساب کنید و این کار برای شما مشقت و سختی دارد برای همین خداوند به شما رخصت

داد و به خاطر لطف و عفویش به شما تخفیف داد پس بنابر توانایی و استطاعت خود آنچه که از قرآن برایتان میسر است بخوانید...."

صحیح آن است که قیام شبانه به مدت ۱۰ سال بر پیامبر^ص واجب ولی برای کسانی که از او تبعیت می کردند، مستحب بود و واجب در حق ایشان تخفیف داده شد لکن در حق امتش با توجه به آیه «...فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ...» (اسراء/ ۷۹) و بعضی از شب را بیدار باش و تهجد کن که این نماز شب تنها بر تو واجب است.... "مستحب باقی ماند و ناسخ و منسوخ هم در این سوره نیست، برخلاف آنچه که برخی از مفسران معتقد هستند که آیات اول به وسیله این آیه منسوخ شده و روایت مسلم از سعید بن هشام در صورتی صحیح است که این تخفیف در مکه داده شده باشد ولی سیاق آیات، آن را رد می کند چون پرداخت زکات و نماز در مکه واجب نشده بود؛ زیرا این سوره بعد از فترت وحی نازل شده است و در آن مدت آن ها عبادت علنی هم نمی توانستند انجام دهند. در ادامه حکمت تخفیف در آیه بیان می شود:

حکمت اول: «عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَى» (مَزَمَل/ ۲۰) "و نیز می داند که برای شما بیماری پیش می آید" برای بیماران قیام مشقت دارد یا مرض آن ها بیش تر می شود یا سبب بیماری های دیگری می گردد؛ حکمت دوم: «وَ آخِرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ» "عده ای به سفر می روند" و دیگران برای تجارت و زیارت و کار و جز آن مسافرت می کنند؛ حکمت سوم: «يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ» "تا از رزق خدا به دست آورند" از فضل خداوند سود و ربح را می جویند و طلب علم و صلۀ رحم و ادای واجبات و مستحبات حج و عمره را برای اجر و پاداش درخواست می کنند؛ حکمت چهارم: «وَ آخِرُونَ يقاتلونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» "جمعی دیگر در راه خدا می جنگند"، یعنی پیکار جویان در راه خدا یا محافظان و نگهبانان مرزهای کشور اسلامی، توانایی قیام شبانه را ندارند؛ زیرا آن ها در مشقت و دشواری هستند و تحمل سختی دیگری را ندارند و خدا حکم میان دنبال کننده روزی و پیکارگر را مساوی قرار داده چون کسب روزی حلال در حکم جهاد در راه خدا است.

«فَاقْرَأْ مَا تيسَّرَ مِنْهُ» از این پس هر مقدار که برایتان میسر است از قرآن بخوانید. " یعنی از قرآن آن اندازه که میسر است، بخوانید و همین کفایت می کند و مقصود قرآن خواندن در نماز است.

هم چنین تعبیر «وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ» و نماز بپا بدارید" خواندن نماز، تا آن حد از قرائت که برای شما امکان پذیر می باشد، واجب است. «وَ آتُوا الزَّكَاةَ» و زکات بدهید" زکات بر شما واجب است آن را بپردازید. «وَ مَا تَقَدَّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ» و بدانید آنچه از کارهای خیر می کنید و از پیش برای خود می فرستید، یعنی ای مؤمنان آن چه از خیر که برای خود از پیش می فرستید اگرچه کم باشد، آن را با بالاترین اجر و پاداش، نزد خداوند خواهید یافت. «وَ اسْتَغْفِرُوا لِلَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ» و از خدا طلب مغفرت کنید که خدا آمرزنده و رحیم است. " به این ترتیب واجبات برای اکمال فریاض و مستحبات برای اکمال واجبات نازل گردید.

به این دلیل آیه ۲۰ در مدینه نازل شده که در آن امر به اقامه نماز گشته است، در حالی که شب معراج پیامبر ۶
 ۲۷ رجب سال ۵۱ میلادی در سال دهم بعثت در مکه رخ داد و اقامه علنی نماز در مدینه انجام گرفت.
 در حقیقت زکات میان آیات قیام آشکار در اول سوره و بین تخفیف در آن، یعنی در سال دوم هجرت در سال
 ۵۵ میلادی واجب شده، بنابراین این سوره در سن چهل و پنج سالگی پیامبر ۶ و سال چهارم بعثت، نازل گشته و
 آیه ۲۰ به عنوان دویست و هشتمین آیه در مدینه نازل شده است و دو آیه ۱۰۱ و ۲۵۸ سوره بقره، دو آیه ۴۴ و ۹۱ از
 سوره نساء و آیه ۱۰۹ سوره مائده به علت طولانی بودن از آیات مدنی به شمار می روند؛ زیرا از ممیزات اصلی این
 آیات برخوردار از همین ویژگی در غالب موارد است برخلاف آیات مکی که کوتاه می باشند.
 با وجود خروج ترتیب آیات و سوره ها از محل بحث، اما همین ترتیب بر توفیقی آن ها دلالت می نماید، به این
 معنا که هیچ یک از صحابه دخالتی در آن نداشتند و این امر تنها از سوی پیامبر ۶ و مطابق با لوح محفوظ محقق می
 گشت و حکمت آن را کسی جز خداوند و کسی که بر او نازل شده، نمی دانست. (همان، ۹۸-۱۰۲)

۲-۶. میدانی

میدانی معتقد است که آیات ۱۰ و ۱۱ و ۲۰ سوره مزمل در مدینه نازل شده است. او ذیل آیات: «وَأَصْبِرْ عَلٰی
 مَا يَقُولُونَ وَ اهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا وَ ذَرْنِي وَ الْمُكذِبِينَ اُولٰٓئِكَ النَّعْمَةِ وَ مَهْلُومٌ قَلِيلًا» و در برابر زخم زبانهای
 مشرکین صبر کن و اگر هم قهر می کنی قهری ملایم و خوشایند و سازنده بکن و اما تکذیب گران که بجز داشتن
 نعمت من انگیزه ای برای تکذیب آیات من ندارند امرشان را به خود من واگذار کن و اندکی مهلتشان
 ده. "می گوید: این دو آیه پس از آن که پیامبر ۶ مطلوب خود را در مکه یافت، در مدینه نازل و به این سوره
 ضمیمه شد، زیرا با وجود آن که خطاب در آن ها به پیامبر ۶ است، اما در حقیقت تمام دعوت کنندگان به دین
 اسلام را مورد خطاب قرار می دهد تا در مقابل کسانی که دعوت اسلام را نمی پذیرفتند باید صبر پیشه کنند و از
 آن ها به شکل شایسته و زیبایی دوری گزینند.

هنگامی که پیامبر ۶ در مکه به اسلام فرا می خواند، نیازی به نزول این آیات نبود و حکمت ربانی اقتضا
 می کرد که تنزیل این قسمت از سوره تا مدینه به تأخیر بیفتد و در مکانی ملائم و مناسب، نازل شود و دو غرض
 یا بیش تر محقق گردد. (میدانی، ۱۳۶۱: ۱/۱۷۳)

صبر، خویشتر داری برابر امری است که انسان را به غضب و آوی دارد و وی را برای رسیدن به محبوبی که
 میل دستیابی به او را دارد به هیجان درمی آورد یا در مقابل مکروهی است که می خواهد آن را دفع کند و از آن خلاص
 شود یا از فاعل آن انتقام بگیرد؛ پس صبر بردو نوع است: صبر بر محبوب یا صبر بر مکروه. چاره ای نیست که
 حامل دعوت رسالت از سوی خداوند با کسانی که دعوت را نمی پذیرند، مواجه شود و هم چنین مطابق سنت های
 حاکم بر جوامع بشری کسانی که مصالحشان از این دعوت به خطر می افتد، با تمام در توان با رسولان حق به مبارزه

بر می خیزند و دعوت‌کنندگان به حق را به کذب و جنون متهم می‌کنند. حکمت پروردگار نیز اقتضا می‌نماید که امر دعوت به سوی او، همراه با شکیبایی برابر صاحبان مصالح باشد و در برخورد با آن‌ها از کشمکش و ستیز کلامی اجتناب شود، چر آنکه با درپیش گرفتن شیوه ای جز آن، دعوت را به عقب می‌اندازد و نیروها و توان‌ها رابه هدر می‌دهد و وقت و زمان راتبا ه می‌سازد، برای همین خداوند با خطاب مفرد به به حامل دعوت رسالت فرمود: "وَ اصْبِرْ عَلٰی مَا يَقُولُوْنَ" و روش هجر جمیل را نیز به او آموخت. (همان، ۱۷۴)

هجر جمیل، دوری است که همراه با غضب و مخاصمه و عتاب نباشد؛ بنابراین مخاطب آن خواهان بازگشت دور شوندگان و حریص برای خیر و سعادت ایشان و وارد شدن آن افراد در زمرهٔ بندگان صالح خداوند است. (همان، ۱۷۱-۱۷۴)

در بارهٔ آیهٔ ۲۰ نیز میدانی اعتقاد دارد پس از ده سال که پیامبر ۶ و بعضی از یاران وی به مفاد سورهٔ مزمل (قیام در شب و نماز در آن) عمل می‌کردند این آیه نیز در مدینه نازل شد و در حقیقت ناسخ می‌باشد و به سورهٔ مزمل که در مکه نازل شده، ضمیمه گشته است. در ادامه میدانی به توضیح حکمت نسخ می‌پردازد و می‌گوید این آیه، تکلیفی را که در اول سوره آمده، تخفیف داده و محدودهٔ زمانی حکم و جوب قیام در شب را که ثلث آن بود، پایین آورده است. (همان، ۱۸۷-۱۹۳)

۳-۶. بهجت پور

وی معتقد است که آیهٔ ۲۰ به دستور پیامبر ۶ به سوره ملحق گشته و در زمان نزول این آیه اختلاف شده و اقوال گوناگون در مورد نزول این آیه از هشت ماه تا یک یا ده سال نقل گشته است حتی گروهی آن را مدنی دانسته اند و شواهدی هم برای هر احتمال وجود دارد و حکمت الحاق این آیه به سورهٔ مزمل ارتباط آن با موضوع آغاز سوره، یعنی مسأله نماز شب و بیداری شبانه می‌باشد. مفسران ذکر جهاد و زکات را شاهد بر مدنی بودن آیه می‌دانند ولی شواهدی بر اصل تشریح زکات در مکه یا حمل آن بر انفاقات مستحبی که در مدینه وجود داشته، مؤیداتی است که بر مکی بودن آیه برشمرده‌اند.

بهجت پور در تفسیر این آیه می‌گوید: پیامبر ۶ و شماری از مومنان تلاش می‌کردند که نصف یا دوسوم و یا یک سوم از شب برای تهجد و عبادت قیام کنند، اما با توجه به تغییر فصول و مزاج‌های مختلف و ضرورت بیداری منظم، این امر برای مردم مشکل بود و از طرفی تحمل محتوای سنگین و فهم قرآن با ریاضت روحی امکان پذیر بود؛ بنابراین عده ای به جهت ترس از دست دادن زمان مذکور تصمیم گرفتند که تمام شب را بیدار بمانند و این کار برایشان سخت بود و آیهٔ ۲۰ برنامهٔ جایگزینی برای آن‌ها به شماری رفت. (بهجت پور، ۱۳۹۵:

۲۶۵/۱-۲۶۴)

۷. پیوستگی و انسجام متنی سوره مزمل

سوره‌های قرآن از آیاتی به هم پیوسته و منسجم تشکیل شده است. پیوستگی متنی و انسجام به کلیه رابطه‌هایی گفته می‌شود که قسمتی از یک جمله را به قسمت‌های دیگر از جملات قبل متصل می‌کند و به کلام یکپارچگی و وحدت می‌بخشد و آن را به مثابه یک متن، از مجموعه جملات جداگانه و نامربوط متمایز می‌کند و چنین روابطی از طریق روابط متنی صورت می‌گیرد که شامل ارتباط‌های لغوی و دستوری و منطقی است. (ذوقی، ۱۳۹۲: ۱۶۰؛ لطفی، ۱۳۹۰: ۱۳۱-۲۳: ۲۲-۲۰۰، Titscher, and others) در این صورت، پیوستگی متنی زمانی برقرار می‌شود که یک قسمتی از آیه یا سوره، برای تفسیر خود، وابسته به قسمت دیگر باشد. به بیان دیگر، فهم هر قسمتی از سوره مستلزم فهم قسمت دیگر باشد. پیوستگی متنی نیز در دو سطح "دستور" و "واژگان" قابل بررسی است که از تلفیق این دو سطح گونه‌سومی از پیوستگی به نام "روابط منطقی بین جملات" به دست می‌آید. در بحث پیوستگی مفاهیم، "بافت"، "سیاق"، "متن" وجود دارد که در فهم پیوستگی دخیل است. (لطفی، ۱۳۹۰: ۱۳۱-۱۳۲)

۱-۷. بافت

در قرآن مجید بافت و ساختار واژه‌ها و پیوند و نظم آن‌ها چنان حکیمانه است که تغییر دو واژه و جابه‌جایی آن‌ها مثل تغییر و جابه‌جایی چشم و ابرو است. (عرفان، ۱۳۷۹: ۷۰) در باور ابن قیم، بافت، به تبیین مجمل و تعیین معنای احتمالی و حکم قطعی به عدم احتمال معنای غیر مقصود و تخصیص دادن معنای عام و مقید ساختن مطلق و تنوع بخشیدن دلالت، رهنمون می‌شود. و این (بافت) از مهم‌ترین قرینه‌هایی است که بر مراد متکلم دلالت دارد؛ بنابراین هر کس آن را وانهد در نظر و دیدگاه‌هایش دچار اشتباه و بدفهمی خواهد شد. (عوا، ۱۳۸۲: ۷۱)

برای فهم و آگاهی از یک زبان نباید فقط به فهم واژگان تکیه کرد، بلکه باید فراتر از آن به موقعیت و شرایطی که یک زبان در آن به کار می‌رود نیز توجه کرد. برای همین جمله‌هایی که در موقعیت مناسب خود به کار نرود، در ایجاد ارتباط، مؤثر نخواهد بود. ما براساس موقعیت‌ها و شرایطی که در آن قرار می‌گیریم، جملات خود را انتخاب می‌نماییم و به کار می‌بندیم. بنابراین در برقراری ارتباط با مخاطب خود، سن، جنس، موقعیت اجتماعی و نوع رابطه خود با مخاطب را در نظر می‌گیریم و با توجه به همین عوامل در برابر سخنان او واکنش نشان می‌دهیم. (۴۲- ۴۰: ۱۹۹۹، Gee)

مقتضای حال همان بافت واقعیت بیرونی محیط بر زبان است که بر زبان اثر می‌گذارد ولی از درون زبان نیست؛ چون تأثیر آن بر زبان به شرایط بیرونی محیط بر متکلم و مخاطب بازمی‌گردد که بیش تر به خود زبان از حیث واژگان یا معنای مربوط است. (عوا، ۱۳۸۲: ۷۰)

بافت همان «شبكة روابطی است که میان صورت (دستور و واژگان) و جهان بیرون وجود دارد و در حقیقت معنای خارجی زبان را تشکیل می‌دهد». (ساغروانیان، ۱۳۶۹: ۴۲۵) از نظر زبان‌شناسان، بافت یا موقعیت و

شرایطی است که در آن قرار گرفته‌ایم و به دو دسته‌درون زبانی (بافت متن) و برون زبانی (بافت موقعیت) تقسیم می‌شود. بافت درون زبانی، بافتی است که توسط جملات زبان به وجود می‌آید و اطلاعاتی را در اختیار ما قرار می‌دهد که در استمرار و برقراری ارتباط مؤثر است. بافت برون زبانی مجموعه عوامل برون زبانی است که بر جملات یک متن حاکم هستند و در ساخت معنای جمله نقشی به سزا دارند. (لطفی (۱۳۹۰)، ۱۳۲)

مفهوم نظم، از نظر علمای متأخر بلاغت، تطبیق کلام بر مقتضای حال است. مقتضای حال نیز همان توجه مناسب است که اوج منزلت کلام در زیبایی و قبول در مطابقت آن و انحطاط و سقوط کلام در عدم مطابقت با آن می‌باشد. (کواز، ۱۳۸۶: ۲۸۰-۲۸۱)

۲-۲. سیاق

مقصود ما از سیاق هر گونه دلیل دیگری است که به الفاظ و عباراتی پیوند خورده که می‌خواهیم آن را بفهمیم، خواه از مقوله الفاظ باشد، مانند کلمات دیگری که با عبارت مورد نظر یک سخن به هم پیوسته را تشکیل می‌دهند و خواه قرینه حالی باشد، مانند اوضاع و احوال و شرایطی که سخن در آن اوضاع مطرح شده است و در موضوع و مفاد لفظ مورد بحث، نوعی روشن‌گری دارد. (صدر، ۱۴۱۰ق: ۱۰۳)

سیاق قاعده‌ای عقلایی است که در هر کلام یا جمله متصل مورد استفاده قرار می‌گیرد. با وجود اختلاف در تعریف این اصطلاح به صورت کلی، «سیاق عبارت از ساختار کلامی است که لفظ مورد بحث در آن قرار دارد و قرینه سیاق عبارت از هر گونه قرینه لفظی یا غیر لفظی است که با کلام همراه است؛ لذا میان سیاق و قرینه سیاق تفاوت است.» (ایزدی و زندیه، ۱۳۹۱: ۸) در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت: «سیاق ساختاری کلی است که بر مجموعه‌ای از کلمات، جملات و یا آیات سایه می‌افکند و بر معنای آن‌ها اثر می‌گذارد. شایان ذکر است در مواردی به کلمه‌ها و جمله‌هایی که پیرامون واژگان یا عبارت مورد تفسیر قرار گرفته است، به لحاظ آن- که خصوصیت یادشده را پدید می‌آورند، سیاق گفته می‌شود که در این صورت، سیاق همان قراین لفظی متصل به کلام خواهد بود.» (رجبی، ۱۳۸۳: ۹۲-۹۳)

درباره ارتباط بافت متن با سیاق نیز می‌توان گفت سیاق، نقش اجتماعی وسیع‌تری است که متکلم در زمان کاربرد زبان ایفا می‌نماید. (لطفی پور ساعدی، ۱۳۸۰: ۱۲۹) به‌طور کلی وقتی یک گفتار و نوشتار چنان ارتباط و پیوندی داشته باشند، می‌توانند یک متن را به وجود آورند و در واقع هماهنگی در سیاق را نشان می‌دهند. در حقیقت مفهوم پیوستگی با مفهوم سیاق تکمیل می‌شود. متن، قطعه‌ای از گفتار است که به دو شیوه منسجم می‌گردد: ۱. با در نظر گرفتن بافت برون زبانی که در سیاق هماهنگی خواهد شد؛ ۲. با در نظر گرفتن خود متن که انسجام و پیوستگی برخوردار خواهد گشت. (Halliday and Hasan, ۱۹۸۰: ۲۳)

۳-۷. متن

متن ثبت کلامی رویدادی ارتباطی است که در بردارنده معیارهای مختلف متنی است. (Gilliar and Yule, ۱۹۸۹: ۱۹۰) به بیان دیگر، «متن»، عبارت است از مجموعه‌ای از نشانه‌ها که مانند زنجیره‌ای از عناصر معنادار شکل می‌گیرد و توسط نگارنده با هدف انتقال معانی به مخاطب، در زمینه‌ای معین انتخاب و تنظیم می‌شود. (شعله، ۱۳۹۰: ۲۰)

در حقیقت، تعریف اول که تعریف بسیار رایج از متن است، شامل هر عبارت یا قطعه‌ای اعم از مکتوب و شفاهی، کوتاه یا بلند می‌شود. (Titscher, and others, ۲۰۰۰: ۲۱) مطابق تعریف فوق، متن شامل گفتار نیز می‌شود که کوتاهی یا بلندی گفتار یا نوشتار هم تأثیری در متن بودن یا نبودن آن نخواهد داشت، اما آیا ملاک یا ملاک‌هایی برای تبیین محدوده‌یک متن وجود دارد؟ کجا یک متن به پایان می‌رسد؟ وجود چه عاملی قطعه‌ای از گفتار یا نوشتار را به متن تبدیل می‌کند؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها نیازمند شناسایی معیارهای یک متن هستیم که در واقع معیارهایی هستند که مختص یک متن می‌باشند و به گونه‌ای دیگر اختصاص ندارند. این معیارها عبارت‌اند از: "پیوستگی"، "پیوند"، "هدفمندی"، "پذیرفتگی"، "پیامداری"، "موقعیت‌مداری"، "متنیت مشترک". (صفوی، ۱۳۸۲: ۱۸۹) پیوستگی ملاکی است که به بررسی اجزاء ظاهری متنی یک متن که اجزاء دستوری و لغوی آن هستند می‌پردازد به عبارت دیگر، از آن‌جا که اجزای یک متن با یکدیگر مرتبط هستند، پیوستگی ما را در دستیابی به رابطه‌ی میان واحد‌های دستوری و واژگانی کمک خواهد کرد. از این رو، در صورت تعبیر و تفسیر واحد‌های دستوری و واژگانی از طریق یکدیگر، متن از پیوستگی یا انسجام درونی بر خوردار خواهد بود. (Ibid, ۲۰۰۰: ۲۲-۲۳). بنابراین پیوستگی یا همان انسجام را می‌توان یکی از ملاک‌های متنیت دانست که با وجود چنین ملاکی می‌توان زنجیره‌ای از جملات گفتاری یا نوشتاری را متن نامید. (لطفی، ۱۳۳: ۱۳۹۰) چیزی که عامل پیوستگی اجزای یک متن به یکدیگر است، "بافتار" متن است که ساختمان متن و روابطی را که بر جملات یک متن حاکم هستند، در بر می‌گیرد. (لطفی پور ساعدی، ۱۳۸۰: ۱۰۶) و در واقع بافتار سبب تمایز یک متن از مجموعه‌ای از جملات پراکنده است.

در جدول زیر پیوستگی متنی سوره "مزمل" در دوگستره بافت و سیاق نشان داده شده است:

جدول شماره یک

پیوستگی متنی سوره مزمل در دوگستره بافت و سیاق	
بافت	۱
سیاق	۲

رسالت الهی در جامعهی شرک زده مکه و ابلاغ معارفی که مخاطب آن جهانیان هستند، مسئولیتی سنگین بود و پیامبر ۶ مأمور شد از همین گمراهان عرب، پیروانی مؤمن بسازد و آنان را واسطه ابلاغ ذکر به جهانیان کند. ظرفیت فعلی پیامبر ۶ به اندازه ای بود که بتواند رسالت را بر عهده بگیرد، ولی باید توان و ظرفیت خود را بالا ببرد تا در میدان عمل پیروز و سر بلند شود؛ برای همین او موظف شد بیش تر شب را بیدار باشد و به عبادت و بندگی و مناجات بپردازد و ظرفیت خود را برای تحمل "قرآن" افزایش دهد و برای همین به آن جناب خطاب "یا أَيُّهَا الْمَرْمَلُ" * "قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا" هان ای جامه به خود پیچیده پاره ای از شب به جز اندکی از آن را بر خیز و زنده بدار می شود. (بهجت پور، ۱۳۹۴: ۲۴۰)

از ظاهر اولین آیه برمی آید که در آن ساعتی که این سوره نازل می شده آن جناب جامه ای را به خود پیچیده بوده، از این جهت به "مزمّل" مورد خطاب قرار گرفته است. از سیاق آیات استفاده می شود که گویا آن جناب در مقابل دعوتش مورد استهزا و اذیت قرار گرفته، و برای خاطر خدا اندوهناک شده، و برای دفع غم و اندوه خود جامه ای به خود پیچیده تا لحظه ای استراحت کند. در این هنگام خطاب شده که ای جامه به خود پیچیده بر خیز، نماز شب بخوان و در برابر آنچه به تو می گویند صبر کن؛ همان طور که به عموم مسلمانان سفارش کرده برای مقاوم شدن در برابر ناملازمات از صبر و نماز کمک بخواهند، با این دستور به آن جناب فهمانده که باید خود را در مقابل اندوه های بزرگ تر و مصایب تلخ به وسیله نماز و صبر مقاوم سازد، نه به وسیله پیچیدن جامه و خوابیدن. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۹۴/۲۰)

۳-۱. انواع پیوستگی متنی

پیوستگی متنی، در ضمن عنوان کلی در پنج نوع ارجاع، جانشینی، حذف، ارتباط منطقی جملات و پیوستگی لغوی خلاصه می شود، اما از آن جا که ارجاع، جانشینی و حذف عناصری دستوری هستند، در ضمن عنوانی کلی تر به نام پیوستگی دستوری قرار می گیرند. از این رو، انواع پیوستگی را می توان در سه گونه پیوستگی لغوی، پیوستگی دستوری و ارتباط منطقی بین جملات بیان کرد. (Halliday and Hasan, ۱۳۸۰: ۳۰۳-۳۰۴)

۱-۱-۳-۷. پیوستگی لغوی

"پیوستگی لغوی" به دو قسم است: تکرار یک مفهوم که ممکن است خود واژه تکرارگردد و یا مترادف آن آورده شود و دوم هم آیش ودر آن کلماتی در کنار هم می آیند که در یک حوزه معنایی هستند، مانند سوره نحل که لیل و نهار و شمس و قمر و نجوم در کنار هم ذکر شده است. (ذوقی، ۱۳۹۲: ۱۶۲؛ لطفی، ۱۳۹۰: ۱۳۴-۱۳۵)

۲-۱-۳-۷. پیوستگی دستوری

۱-۲-۱-۳-۷. ارجاع

برای توضیح و بیان بعضی از عبارات و واژه ها نیازمند هستیم از عباراتی دیگر استفاده کنیم که به این کار ارجاع گفته می شود. (لطفی، همان: ۱۳۶) عناصر ارجاعی مانند ضمائر و اسم های اشاره و کنایه ها (ذوقی، ۱۳۹۲: ۱۶۱) و ارجاع مقایسه ای مانند تشبیه. (لطفی، ۱۳۹۰: ۱۳۶)

۲-۲-۱-۳-۷. جانشینی

"جانشینی" یعنی چیزی به جای چیز دیگر قرار گیرد. (لطفی، ۱۳۹۰: ۱۳۸)

۳-۲-۱-۳-۷. حذف

زمانی که عبارتی از یک جمله بنابر دلایلی مانند اختصار و پرهیز از بیهوده گویی یا از باب تحذیر و اغراء مانند (نَاقَةَ اللَّهِ وَ سُقْيَاهَا) (شمس/۱۳) "این ناقه آیت خداست از خدا بترسید و آن را سیراب کنید" که ناقه الله تحذیر است با تقدیر (ذروا) و سقیاها اغراء است با تقدیر (الزموا). (سیوطی، ۱۴۲۱ق: ۸۲/۲) در زبان عربی حذف شامل حذف فعل، حذف مبتدا و خبر، حذف مفعول، حذف عامل ظرف و عامل حال می شود. (لطفی، ۱۳۹۰: ۱۳۹)

۳-۱-۳-۷. ارتباط منطقی جملات

میان تمام جملات یک متن نوعی ارتباط معنایی و منطقی وجود دارد که کل متن را به هم می پیوندد. برای مثال در یک جمله، مسئله یا مشکلی مطرح می شود؛ و جملات بعدی جواب آن را می دهند. این چنین روابطی بین جملات یک متن ضروری است و در صورت عدم وجود این روابط یک متن بی شباهت به هذیان یا گفتاری پراکنده می گردد. (همان، ۱۴۰)

روابط معنایی و منطقی بین جملات یک متن به چهار نوع صورت می پذیرد:

۱-۳-۱-۳-۷. ارتباط اضافه ای: زمانی است که جمله ای بتواند بر محتوای جمله دیگر بیفزاید. به طور معمول

در زبان عربی از دو واژه "واو" و "او" برای ارتباط اضافه ای استفاده می شود.

۳-۱-۳-۷. ارتباط خلاف انتظار: یک رابطه معنایی است و زمانی این رابطه برقرار می‌شود که محتوای یک جمله، خلاف انتظاراتی باشد که در جمله قبلی آورده شده بود. در زبان عربی تنها واژه ای که این خصوصیت را دارد واژه "لکن" است.

۳-۳-۱-۳-۷. ارتباط سببی: زمانی برقرار می‌شود که بین دو جمله رابطه علی و معلولی باشد. در زبان عربی از واژه‌های متعدد برای این منظور استفاده می‌شود، برای مثال "اذ"، "إن"، "إِنَّ" در تعلیل، "أَنَّ"، "بَاءَ"، "فَاءَ"، "عَلَى"، "كَيْ"، "لَعَلَّ"، "مَنْ" در معنای سببی و تعلیلی خود برقرار کننده این نوع از ارتباط در درون متن هستند.

۴-۳-۱-۳-۷. ارتباط زمانی: وقتی توالی زمانی بین رویدادهای دو جمله برقرار می‌باشد که با واژه‌های "حتی" و "ثم" و "فاء" می‌آید. (همان، ۱۳۴-۱۴۱)

در جدول ذیل انواع پیوستگی متنی در سوره مزمل بررسی شده است:

جدول شماره ۲

انواع پیوستگی متنی در سوره مزمل			
<p>آیه های ۸ و ۹: <u>وَ اذْکُرْ اِسْمَ رَبِّکَ وَ تَبَتَّلْ اِلَیْهِ تَبَتُّیْلًا (۸) رَبُّ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ لَا اِلَهَ اِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَکِیْلًا</u> و ذکر خدا را بگو و دست حاجت به سویش دراز کن. همان پروردگار مشرقها و مغربهای عالم که بجز او معبودی نیست پس او را وکیل خود بگیر.</p> <p>آیه های ۱۵ و ۱۶: <u>اِنَّا اَرْسَلْنَا اِلَیْکُمْ رَسُوْلًا شَاهِدًا عَلَیْکُمْ کَمَا اَرْسَلْنَا اِلَی فِرْعَوْنَ رَسُوْلًا (۱۵) فَعَصَى فِرْعَوْنُ الرَّسُوْلَ فَاَخَذْنَاهُ اَخْذًا وَّیَبِیْلًا</u> هان ای انسانها! ما رسولی به سوی شما گسیل داشتیم که شاهد بر شما نیز هست همانطور که رسولی به سوی فرعون فرستادیم. ولی فرعون از اطاعتش سر برتافت پس او را به عذابی سخت بگرفتیم.</p> <p>آیه ها ۱۴ و ۱۶: <u>یَوْمَ تَرْجُفُ الْاَرْضُ وَ الْجِبَالُ وَ کَانَ الْجِبَالُ کَثِیْبًا مَّهِیْلًا * فَکَیْفَ تَتَّقُوْنَ اِنْ کَفَرْتُمْ یَوْمًا یَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِیْبًا</u> در روزی که زمین و کوهها به لرزه در آیند و کوهها چون تلی از ماسه شوند * ولی فرعون از اطاعتش سر برتافت پس او را به عذابی سخت بگرفتیم</p> <p>آیه: <u>اِنَّ رَبَّکَ یَعْلَمُ... فَاقْرَؤْ مَا تَیَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ... فَاقْرَؤْ مَا تَیَسَّرَ مِنْهُ</u></p> <p>آیات ۲ و ۳ و ۴ با آیه ۲۰: <u>قُمِ اللَّیْلَ اِلَّا قَلِیْلًا * نِصْفَهُ اَوْ اَنْقُصْ مِنْهُ قَلِیْلًا * اَوْ زِدْ عَلَیْهِ وَ رَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِیْلًا</u> "پاره‌ای از شب به جز اندکی از آن را بر خیز و زنده بدار. یا نصف آن را و یا کمی کمتر از نصف را. و یا اندکی بر نصف بیفزای و قرآن را شمرده شمرده بخوان"</p> <p>"اِنَّ رَبَّکَ یَعْلَمُ اَنَّکَ تَقُوْمُ اَذْنٰی مِنْ ثُلثِی اللَّیْلِ وَ نِصْفَهُ وَ ثُلُثَهُ وَ طَائِفَةٌ مِنَ الَّذِیْنَ مَعَكَ وَ اللّٰهُ یَقْدَرُ اللَّیْلَ وَ النَّهَارَ عِلْمَ اَنْ لَّنْ نُحْصِیْهُ فَتَابْ عَلَیْکُمْ فَاقْرَؤْ مَا تَیَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ ... " پروردگار تو می‌داند که تو و</p>	تکرار یک مفهوم	پیوستگی لغوی	۱

<p>گروهی از مؤمنین که با تو هستند نزدیک از دو ثلث شب و گاهی نصف آن و گاهی ثلث آن را زنده می‌دارید و خدا که تقدیر کننده شب و روز است (و در فصول چهارگانه آن را بلند و کوتاه می‌کند) می‌داند که تشخیص دو ثلث و نصف و ثلث در فصول مختلف برای شما ممکن نیست به همین جهت بر شما بخشود از این پس هر مقدار که برایتان میسر است از قرآن بخوانید. و نیز می‌دانند...</p> <p>آیه ۲۰: <u>إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ... وَعَلِمَ أَنْ لَنْ تُحْصُوهُ..</u></p> <p><u>عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ... (۲۰)</u></p> <p>آیه ۴: <u>"أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا"</u> و یا اندکی بر نصف بیفزای و قرآن را شمرده شمرده بخوان</p> <p>آیه ۸: <u>"وَ اذْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ وَ تَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا"</u> و ذکر خدا را بگو و دست حاجت به سویش دراز کن</p> <p>آیه ۲۰: <u>"... وَ اسْتَغْفِرُوا لِلَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ"</u></p>	
<p>آیات ۶ و ۷: <u>إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَ أَقْوَمُ قِيلًا (۶) إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا"</u> (کلامی که قبلاً باید خود را برای تحملش آماده کرده باشی) و بهترین وسیله برای صفای نفس و سخن با حضور قلب گفتن هنگام شب است که خدا آن را پدید آورده. چون تو در روز دوندگی و مشاغل بسیار داری.</p> <p>آیه های ۱۲ و ۱۳: <u>"إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَ جَحِيمًا (۱۲) وَ طَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَ عَذَابًا أَلِيمًا"</u> همانا نزد ما انواع شکنجه‌ها و در آخر عذاب دوزخ هست. و طعامی گلوگیر و عذابی دردناک است.</p> <p>آیات ۱۴ و ۱۷ و ۱۸: <u>"يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَ الْجِبَالُ وَ كَانَتْ الْجِبَالُ كَثِيرًا مَهِيلًا* كَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا* السَّمَاءُ مُنْفَطِرٌ بِهِ كَأَن وَعْدُهُ مُفْعُولًا"</u> در روزی که زمین و کوه‌ها به لرزه در آیند و کوه‌ها چون تلی از ماسه شوند. شما اگر کفر بورزید چگونه می‌توانید از عذاب قیامت خود را کنار بکشید روزی که کودکان را پیر می‌کند و آسمان به وسیله تحول آن روز شکافته می‌شود و وعده خدا شدنی است</p> <p>آیه ۲۰: <u>... وَ اللَّهُ يَقْدِرُ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ</u></p> <p>آیه ۲۰: <u>إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَ نِصْفَهُ وَ ثُلُثَهُ وَ طَائِفَةٌ مِنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَ ...</u></p> <p>آیه ۲۰: <u>إِنَّ رَبَّكَ... عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَىٰ وَ آخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَ آخَرُونَ يقاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ...</u></p> <p>آیات ۲ و ۴ و ۸ و ۱۰ و ۲۰ و ۱۱:</p> <p><u>فَمِ اللَّيْلِ إِلَّا قَلِيلًا (۲)... وَ رَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا (۴) وَ اذْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ وَ تَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا (۸) وَ اصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَ اهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا (۱۰) وَ ذَرْنِي وَ الْمُكذِّبِينَ أُولَىٰ النَّعْمَةِ وَ مَهْلَهُمْ قَلِيلًا (۱۱)... فَاقْرَأْ مَا تيسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ... فَاقْرَأْ مَا تيسَّرَ مِنْهُ وَ أقيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ اقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَ ...</u></p>	<p>هم آیش</p>

<p>اشْتَغِرُوا اللَّهَ ... (۲۰)</p>			
<p>۱- ضمیرهای مفرد مذکر غائب که همه به پیامبر^ص برمی گردد به شکل ضمیر متصل مرفوعی و ضمیر منفصل مجروری:</p> <p>يا أَيُّهَا الْمَرْمَلُ (۱) منادا مخاطب</p> <p>قُمْ ... (۲) فاعل انت مستتر (همان مخاطب)</p> <p>... زِدْ وَ رَتِّلْ ... (۴) فاعل در هر دو فعل انت مستتر</p> <p>إِنَّا ... عَلَيْكَ ... (۵)</p> <p>إِنَّ لَكَ (۷)</p> <p>" وَ اذْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ وَ تَبْتَئِلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلاً (۸) رَبُّ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا (۹) " و ذکر خدا را بگو و دست حاجت به سویش دراز کن. همان پروردگار مشرقها و مغربهای عالم که بجز او معبودی نیست پس او را وکیل خود بگیر</p> <p>وَ اصْبِرْ عَلَى ... وَ اهْجُرْهُمْ ... (۱۰) وَ مَهْلُهُمْ ... (۱۱)</p> <p>إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ ... طَائِفَةٌ مِنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَ ... (۲۰)</p> <p>۲- ضمیرهای متصل مجروری "هاء" که به "لیل" برمی گردد</p> <p>آیات ۲ و ۳ و ۴: "قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا* نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا* أَوْ زِدْ عَلَيْهِ .."</p> <p>پاره‌ای از شب به جز اندکی از آن را بر خیز و زنده بدار. یا نصف آن را و یا کمی کمتر از نصف را. و یا اندکی بر نصف بیفزای و قرآن را شمرده شمرده بخوان.</p> <p>۳- قول ثقیل همان قرآن است:</p> <p>آیه ۴: "أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَ رَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً" و یا اندکی بر نصف بیفزای و قرآن را شمرده شمرده بخوان</p> <p>آیه ۵: "إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا" آماده باش که به زودی کلامی سنگین بر تو نازل می‌کنیم.</p> <p>۴- ضمیر متکلم مع الغیر به شکل متصل مرفوعی و مجروری</p> <p>آیه ۵: "إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا" آماده باش که به زودی کلامی سنگین بر تو نازل می‌کنیم.</p> <p>آیه ۱۲: "إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَ جَحِيمًا" که نزد ما انواع شکنجه‌ها و در آخر عذاب دوزخ هست.</p>	<p>شخصی</p>	<p>ارجاع</p>	<p>۲</p> <p>پیوستگی دستوری</p>

آیات ۱۵ و ۱۶ "إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا* فَعَصَىٰ فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِيلاً" هان ای انسانها! ما رسولی به سوی شما گسیل داشتیم که شاهد بر شما نیز هست همان‌طور که رسولی به سوی فرعون فرستادیم. ولی فرعون از اطاعتش سر برتافت پس او را به عذابی سخت بگرفتیم. ۵- ضمیر بارز فاعلی "او" در یقولون و ضمیر متصل مجروری "هم" که همه به "مکذبین اولی النعمه" برمی‌گردد

وَ اصْبِرْ عَلٰی مَا يَقُولُونَ وَ اهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلاً (۱۰) وَ ذَرْنِي وَ الْمُكَذِّبِينَ اُولٰٓئِی النِّعْمَةِ وَ مَهَلْهُمْ قَلِيلاً (۱۱) "و در برابر زخم زبانهای مشرکین صبر کن و اگر هم قهر می‌کنی قهری ملایم و خوشایند و سازنده بکن. و اما تکذیب‌گران که بجز داشتن نعمت من انگیزه‌ای برای تکذیب آیات من ندارند امرشان را به خود من واگذار کن و اندکی مهلتشان ده."

۶- ضمیرهای متصل مجروری "کم" و مرفوعی جمع مذکر مخاطب "او" در "تقون" و "تم" در "کفرتم" با یک خط و ضمیر متصل مجروری مفرد مذکر غائب با دو خط "إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا (۱۵) فَعَصَىٰ فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِيلاً (۱۶) فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِن كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا (۱۷)" هان ای انسانها! ما رسولی به سوی شما گسیل داشتیم که شاهد بر شما نیز هست همان‌طور که رسولی به سوی فرعون فرستادیم. ولی فرعون از اطاعتش سر برتافت پس او را به عذابی سخت بگرفتیم. شما اگر کفر بورزید چگونه می‌توانید از عذاب قیامت خود را کنار بکشید روزی که کودکان را پیر می‌کند"

۷- ضمیر هو مستتر در فعل‌های زیر که همه به رب یا الله در می‌گردد.

آیه ۲۰ "إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَ نِصْفَهُ وَ ثُلُثَهُ يَوْمَ طَائِفَةٍ مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَ اللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ عَلِمَ أَنْ لَنْ تُخْصَوْهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَأُوا مَا تيسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ... " پروردگار تو می‌داند که تو و گروهی از مؤمنین که با تو هستند نزدیک از دو ثلث شب و گاهی نصف آن و گاهی ثلث آن را زنده می‌دارید و خدا که تقدیر کننده شب و روز است (و در فصول چهارگانه آن را بلند و کوتاه می‌کند) می‌داند که تشخیص دو ثلث و نصف و ثلث در فصول مختلف برای شما ممکن نیست به همین جهت بر شما بخشود از این پس هر مقدار که برایتان میسر

<p>است از قرآن بخوانید..."</p>			
<p>آیه ۱۹: "إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا" و این محققاً تذکر است پس اگر کسی خواست می تواند راهی به سوی پروردگارش اتخاذ کند.</p> <p>یا اشاره به آیه های ۴ و ۵ است که منظور قرآن باشد یا نماز یا خود این سوره و ..</p>	<p>اشاره ای</p>		
<p>آیه ۱۵: "إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا" هان ای انسانها! ما رسولی به سوی شما گسیل داشتیم که شاهد بر شما نیز هست همانطور که رسولی به سوی فرعون فرستادیم.</p>	<p>مقایسه ای</p>		
<p>در آیه ۱۹: "هَذِهِ" اشاره به آیات سابق تهدیدهای کوبنده و تذکر و موعظه إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا (۱۹)" و این محققاً تذکر است پس اگر کسی خواست می تواند راهی به سوی پروردگارش اتخاذ کند"</p>	<p>جانشینی</p>		
<p>در آیه ۱۹: "فمن شاء مفعول" شاء" حذف شده، که باید مفعولی در تقدیر گرفت شود که از جنس جواب شرط باشد و با سیاق بسازد، بنا بر این باید بگوییم تقدیر جمله: "فمن شاء أن يتخذ الی ربه سبیلًا اتخذ الی ربه سبیلًا- هر کس بخواهد راهی به سوی پروردگار خود اتخاذ کند می تواند راهی به سوی پروردگارش اتخاذ کند" می باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۰۸/۲۰)</p> <p>بعضی گفته اند: کلمه "اتعظ بها" در تقدیر است، و معنایش این است که هر کس بخواهد پند بگیرد، راهی به سوی پروردگار خود اتخاذ می کند: (زمخشری، ۱۴۰۴: ۶۴۲/۴)</p> <p>آیه ۱۹: "إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا" و این محققاً تذکر است پس اگر کسی خواست می تواند راهی به سوی پروردگارش اتخاذ کند"</p>	<p>حذف</p>		
<p>۱- بین "قم"، "رئل"، "اذکر"، "تبتل"، "اضبر"، "اهجر"، "دزنی"، "مهل" "واو"، باعث ارتباط و پیوستگی شده است.</p> <p>۲- "أو" باعث ارتباط آیات ۲ و ۳ شده است .</p> <p>یا أَيُّهَا الْمَزْمَلُ (۱) قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا (۲) نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا (۳) أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَ رَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا (۴) "هان ای جامه به خود پیچیده! پاره ای از شب به جز اندکی از آن را بر خیز و زنده بدار .یا نصف آن را و یا کمی کمتر از نصف را . و یا اندکی بر نصف بیفزای و قرآن را شمرده شمرده بخوان"</p> <p>"وَ اذْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ وَ تَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَتَّيْبًا" (۸) "و ذکر خدا را بگو و دست حاجت به سویش دراز کن"</p> <p>وَ اضْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَ اهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا (۱۰) وَ دَرِّزْنِي وَ الْمُكَذِّبِينَ أُولَىٰ النَّعْمَةِ وَ مَهْلُهُمْ قَلِيلًا (۱۱) "و در برابر زخم زبانهای مشرکین صبر کن و اگر هم قهر می کنی قهری ملایم و</p>	<p>ارتباط منطقی بین جملات</p>	<p>۳</p>	<p>۳</p>

<p>خوشایند و سازنده بکن. و اما تکذیب‌گران که بجز داشتن نعمت من انگیزه‌ای برای تکذیب آیات من ندارند امرشان را به خود من واگذار کن و اندکی مهلتشان ده</p>	
<p>۱- "فاء" در آیه ۲۰: إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ... عَلِمَ أَنْ لَنْ تُحْصُوهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَأُوا مَا تيسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ... فَاقْرَأُوا مَا تيسَّرَ مِنْهُ... ۲- "ان" و "أن" در آیه ۲۰: "إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَةٌ مِنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَاللَّهُ يَقْدَرُ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ عِلْمَ أَنْ لَنْ تُحْصُوهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَأُوا مَا تيسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِيمٌ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَىٰ وَ آخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَ آخَرُونَ يقاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَأُوا مَا تيسَّرَ مِنْهُ وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ أَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَ مَا تَقْدُمُوا لَأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ وَأَعْظَمُ أَجْرًا وَ اسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ" پروردگار تو می‌داند که تو و گروهی از مؤمنین که با تو هستید نزدیک از دو ثلث شب و گاهی نصف آن و گاهی ثلث آن را زنده می‌دارید و خدا که تقدیر کننده شب و روز است (و در فصول چهارگانه آن را بلند و کوتاه می‌کند) می‌داند که تشخیص دو ثلث و نصف و ثلث در فصول مختلف برای شما ممکن نیست به همین جهت بر شما بخشود از این پس هر مقدار که برایتان میسر است از قرآن بخوانید. و نیز می‌داند که برای شما بیماری پیش می‌آید عده‌ای به سفر می‌روند تا از رزق خدا به دست آورند جمعی دیگر در راه خدا جنگ می‌کنند در چنین احوال نیز هر مقدار که می‌توانید از قرآن بخوانید و نماز بپا بدارید و زکات بدهید. و به خدا وام دهید وامی نیکو و بدانید آنچه از کارهای خیر می‌کنید و از پیش برای خود می‌فرستید نزد خدایش می‌پایید، اما بهتر از آنچه که کردید و با أجری عظیم‌تر. و از خدا طلب مغفرت کنید که خدا آمرزنده و رحیم است. ۳- علت "قم" و "رتل القرآن" در آیات ۵ و ۶ و ۷ با "أن" آمده است. به چه دلیل باید شب قیام داشته باشی و قرآن را مرتب و آرام بخوانی؟ يَا أَيُّهَا الْمَرْمَلُ (۱) قُمْ اللَّيْلَ... وَ رَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا (۴) إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا تَقِيلًا (۵) "هان ای جامه به خود پیچیده! پاره‌ای از شب به جز اندکی از آن را بر خیز و زنده بدار... و قرآن را شمرده شمرده بخوان. آماده باش که به زودی کلامی سنگین بر تو نازل می‌کنیم." چرا این قیام و رتل القرآن باید در شب اتفاق بیفتد؟ آیه ۶ و ۷ "إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَ أَقْوَمُ قِيلًا (۶) إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا" (کلامی که قبلا باید خود را برای تحملش آماده کرده باشی) و بهترین وسیله برای صفای نفس و سخن با</p>	<p>سببی</p>

<p>حضور قلب گفتن هنگام شب است که خدا آن را پدید آورده. چون تو در روز دوندگی و مشاغل بسیار داری</p> <p>۴- علت آیه ۱۱ چرا مرا با تکذیب گران صاحب نعمت (و ثروت) رهاساز، و اندکی به آنان مهلت ده، در آیات ۱۲ و ۱۳ آمده است و در آخر فرعون را به عنوان شاهد مثال می آورد:</p> <p>۱- آیات ۱۲ و ۱۳:</p> <p>"إِنَّ لَنَا أَنْكَالًا وَ جَجِيمًا* وَ طَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَ عَذَابًا أَلِيمًا" "که نزد ما انواع شکنجه‌ها و در آخر عذاب دوزخ هست و طعامی گلوگیر و عذابی دردناک است."</p> <p>۲- آیه ۱۵:</p> <p>"إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا" "هان ای انسانها! ما رسولی به سوی شما گسیل داشتیم که شاهد بر شما نیز هست همانطور که رسولی به سوی فرعون فرستادیم"</p>		
<p>۱- آیات ۱۵ و ۱۶ و ۱۷:</p> <p>"إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا* فَعَصَىٰ فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخَذًا وَبِيلاً* فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا" "هان ای انسانها! ما رسولی به سوی شما گسیل داشتیم که شاهد بر شما نیز هست همانطور که رسولی به سوی فرعون فرستادیم، ولی فرعون از اطاعتش سر برتافت پس او را به عذابی سخت بگرفتیم. شما اگر کفر بورزید چگونه می توانید از عذاب قیامت خود را کنار بکشید روزی که کودکان را پیر می کند."</p> <p>۲- آیه ۱۹:</p> <p>"إِنَّ هَذِهِ تَذَكُّرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا" "و این به تحقیق تذکر است پس اگر کسی خواست می تواند راهی به سوی پروردگارش اتخاذ کند"</p>	<p>زمانی</p>	

نظر برگزیده در مورد مکی یا مدنی بودن سوره مزمل آن است که این سوره به جز آیه ۲۰ در مکه نازل شده ولی آیات آن از چنان انسجام و پیوستگی و ارتباط منطقی میان قسمت های مختلف سوره برخوردار است که در نگاه اول ممکن است چنین به نظر آید به یک باره نازل شده؛ در حالی که این گونه نیست. کسانی هم که معتقد هستند کل سوره مکی است بر دو دسته می باشند، گروهی فاصله بین آیات آن هنگام نزول را ۸ تا ۱۰ سال و برخی چند ماه دانسته اند. با این وجود آیات سوره یک پارچه و هماهنگ و دارای انسجام و پیوستگی است. در نتیجه این پیوستگی و انسجام تنها مخصوص سوره های مکی یا مدنی محض نیست، بلکه شامل سوره هایی هم که آیات مکی در کنار آیات مدنی آورده شده است، می گردد.

نتیجه گیری

۱. نظر برگزیده دربارهٔ مکی یا مدنی بودن سورهٔ مزمل آن است که این سوره به جز آیهٔ ۲۰ در مکه نازل شده است و در سوره ناسخ و منسوخ هم وجود ندارد؛ زیرا اگر به آیات اولیهٔ سوره هم عمل شود، هیچ گناهی انجام نگرفته و آیهٔ ۲۰ برای تخفیف به پیامبر^۶ و مؤمنان نازل شده است؛
۲. مفسرانی هم که قرآن را بر اساس ترتیب نزول تفسیر کرده اند دربارهٔ مکی بودن همهٔ این سوره و وجود ناسخ و منسوخ در آن، اختلاف است؛
۳. از میان آن ها، آل غازی اعتقاد دارد این سوره به جز آیات ۱۰ و ۱۱ و ۲۰ در مکه نازل شده و این نتیجه را بر اساس بافت و سیاق سوره و شرایط و موقعیت نزول آیات گرفته است؛
۴. میدانی نیز معتقد است که آیات ۱۰ و ۱۱ و ۲۰ در مدینه نازل شده و آیهٔ ۲۰ ناسخ آیات اولیهٔ سوره است. او این باور را بر اساس پیوستگی و ارتباط صدر و ذیل سوره ابراز داشته است. البته به نظر می رسد این نظر در مورد نسخ آیات اولیه صحیح نیست؛ زیرا وقتی آیه ای نسخ می شود دیگر قابل اجرا نیست در حالی که دربارهٔ این آیات این گونه صدق نمی کند؛
۵. بهجت پور یکی دیگر از این مفسران است که می گوید این سوره مکی ۱ و آیهٔ ۲۰ آن بعد از مدت ها فاصله در مکه نازل شده و به دلیل ارتباطش با سوره به دستور پیامبر^۶ به آن ملحق گشته است. در حالی که نظر برگزیده این می باشد که آیهٔ ۲۰ با توجه به سیاق و بافت آیات در مدینه نازل شده است،
۶. با در نظر گرفتن پیوستگی متنی این سوره با توجه به زبان شناسی نقش گر و نظریهٔ انسجام این سوره می توان این گونه نتیجه گرفت که همهٔ قسمت های سوره از صدر تا آخرین آیهٔ آن، از پیوستگی و ارتباط متنی منطقی برخوردار است و این ارتباط مخصوص آیاتی که در مکه یا مدینه نازل شده، نیست، بلکه در سوره هایی که در آن هم آیات مکی و هم آیات مدنی وجود دارد، انسجام و ارتباطی استوار به چشم می خورد،
۷. پیوستگی سورهٔ مزمل از نظر بافت و سیاق و متن مورد تحلیل قرار گرفته و مصادیق و موارد آن در جدول شماره یک آورده شده است؛
۸. پیوستگی متنی در قالب پیوستگی لغوی، پیوستگی دستوری و ارتباط منطقی بین آیات با توجه به تقسیم بند های هالیدی در این سوره بررسی شده و. و نتایج و دستاورد های آن در جدول شماره ۲ آمده است.

منابع و مأخذ

۱. آل غازی، عبدالقادر (۱۳۸۲ق)، بیان المعانی، دمشق: مطبعة الترقی.
۲. آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
۳. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۴۰۸ق)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی.
۴. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۶۹)، متشابه القرآن و مختلفه، قم: بیدار.
۵. ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ق)، تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور، بیروت: مؤسسة التاریخ العربی.
۶. ایزدی، مهدی و نور الدین زندیه (۱۳۹۱)، "سیاق و سباق در مکتب تفسیری علامه طباطبائی"، فصلنامه مطالعات قرآن و حدیث، دانشگاه امام صادق ۷، سال پنجم، بهار و تابستان، شماره ۲، پیاپی ۱۰، صص ۵-۳۳.
۷. بهجت پور، عبدالکریم (۱۳۹۵)، همگام با وحی، قم: مؤسسه تمهید.
۸. ----- (۱۳۹۴)، شناختنامه تنزیلی سوره های قرآن کریم، قم: مؤسسه تمهید.
۹. ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ق)، الكشف و البیان المعروف بتفسیر الثعلبی، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۰. ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۸ق)، تفسیر الثعالبی المسمی بالجواهر الحسان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۱. جرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمن (۱۴۳۰ق)، درج الدرر فی تفسیر القرآن العظیم، عمان: دار الفکر.
۱۲. خزرچی، احمد بن عبدالصمد (۱۴۲۹ق)، تفسیر الخزرچی المسمی نفس الصباح فی غریب القرآن و ناسخه و منسوخه، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۱۳. دینوری، عبدالله بن محمد (۱۴۲۴ق)، تفسیر ابن وهب المسمی الواضح فی تفسیر القرآن الکریم، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۱۴. دروزه، محمد عزه (۱۴۲۱ق)، التفسیر الحدیث: ترتیب السور حسب النزول، بیروت: دار الغرب الإسلامی.
۱۵. ذوقی، امیر (۱۳۹۲)، "نگره ای درباره انسجام متنی سوره های قرآن کریم"، دانشگاه امام صادق ۷، مجله مطالعات قرآن و حدیث، بهار و تابستان ۱۳۹۲، شماره ۲، پیاپی ۸، صص ۱۵۱-۱۷۵.
۱۶. رجبی، محمود (۱۳۸۳)، روش تفسیر قرآن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۷. رسعی، عبدالرزاق بن رزق الله (۱۴۲۹ق)، رموز الكنوز فی تفسیر الكتاب العزیز، المکة المکرمة: مکتبة الأسدی.

۱۸. زارع زردینی، احمدو میثم خلیلی (۱۳۹۷)، «کاربست نظریه زوج سوره‌ها در فهم سوره‌های مزمل و مدثر»، نشریه علمی ترویجی بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، سال ۳۷، اسفند، شماره ۱۴۱، صص ۶۱-۸۵.
۱۹. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، بیروت: دار الکتب العربی.
۲۰. سبزواری، محمد (۱۴۱۹ق)، ارشاد الاذهان الی تفسیر القرآن، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
۲۱. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۲۱ق)، الإیقان فی علوم القرآن، بیروت: دار الکتب العربی.
۲۲. -----، (۱۴۰۴ق)، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم: کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی (ره).
۲۳. سید کریمی حسینی، عباس (۱۳۸۲)، تفسیر علیین، قم: اسوه.
۲۴. ساغروانیان، جلیل (۱۳۶۹)، فرهنگ اصطلاحات زبان‌شناسی، مشهد: نشر نیما.
۲۵. شعله، مهسا (۱۳۹۰)، "معیارهای متن بودگی شهر و روش شناسی تحلیل آن"، نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، دانشگاه تهران، دی ماه، شماره ۴، پیاپی ۴۸، صص ۱۹-۳۲.
۲۶. صاوی، احمد بن محمد (۱۴۲۷ق)، حاشیة الصاوی علی تفسیر الجلالین، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۲۷. صدر، سید محمد باقر (۱۴۱۰ق)، دروس فی علم الاصول، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
۲۹. -----، (۱۴۱۲ق)، تفسیر جوامع الجامع، قم: حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت.
۳۰. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۹۰ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۳۱. عرفان، حسن (۱۳۷۹)، اعجاز در قرآن کریم، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۳۲. عوا، سلوی محمد (۱۳۸۲)، بررسی زبان‌شناختی وجوه و نظایر در قرآن کریم، ترجمه سید حسین سیدی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۳۳. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۴. قطب، سید (۱۴۲۵ق)، فی ظلال القرآن، بیروت: دار الشروق.
۳۵. کواز، محمد کریم (۱۳۸۶)، سبک‌شناسی اعجاز بلاغی قرآن، ترجمه سید حسین سیدی، تهران: انتشارات سخن.
۳۶. لطفی، سید مهدی (۱۳۹۰)، "پیوستگی متنی سوره‌های قرآن کریم"، دانشگاه امام صادق ۷، مجله مطالعات قرآن و حدیث، سال چهارم، بهار و تابستان شماره ۲، پیاپی ۸، صص ۱۲۹-۱۵۰.

۳۷. مراغی، احمد مصطفی (بی تا)، تفسیر المراغی، بیروت: دار الفکر.
۳۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۳۹. -----، (۱۴۲۱ق) الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، قم: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (۷).
۴۰. ملا ابراهیمی، عزت وزهرا رضایی (۱۳۹۹)، «کارآیی نظریه هالییدی و حسن در ترسیم متنی سوره مزمل»، فصلنامه مطالعات ادبی متون اسلامی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، پژوهشکده اسلام تمدنی، سال پنجم، بهار، شماره ۱، صص ۹-۲۱.
۴۱. -----، (۱۴۰۰ق)، «بررسی تطبیقی ابزارهای انسجام در سوره مزمل و ترجمه آن از موسوی گرمارودی بر پایه نظریه انسجام متن هالییدی و حسن» نشریه علمی مطالعات زبان و ترجمه، دانشگاه فردوسی، سال پنجاه و چهارم، تابستان، شماره ۲، صص ۱۷۵-۱۹۹.
۴۲. میدانی، عبدالرحمن حسن حینکه (۱۴۲۰ق)، معارج التفكير و دقائق التدبر، دمشق: دار القلم.
۴۳. مکی بن حموش (۱۴۲۹ق)، الهدایة إلى بلوغ النهایة، شارجه: جامعة الشارقة، كلية الدراسات العليا و البحث العلمي.
۴۴. -----، (۱۴۲۳ق)، مشکل اعراب القرآن، بیروت: دار الیمامة.
۴۵. محلی، محمد بن احمد (۱۴۱۶ق)، تفسیر الجلالین، بیروت: مؤسسة النور للمطبوعات.
۴۶. نظام الاعرج، حسن بن محمد (۱۴۱۶ق)، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۴۷. Gee, James Paul (۱۹۹۹), An introduction to discourse analysis, London and New York: Routledge
۴۸. Gilliar, Brown and George Yule (۱۹۸۹), Discourse Analysis, New York: Cambridge University Press.
۴۹. Halliday, M, A, K and Hasan (۱۹۸۰), Cohesion in English, Great Britain: Longman.
۵۰. Titsger, Stefan and Michael Meyer and Ruth Wodak and Eva Vetter (۲۰۰۰), Methods of Text and Analysis, London: Sage publication.